



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۶۳ | تیر ۱۴۰۰

نوجوان
بازار



سید سید
جمعه زاده

به مناسبت روز قلم و روز ادبیات کودک و نوجوان
در کلاف این شماره نگاهی نو به مفهوم قلم داشته ایم

قلم ما را به کجاها که نمی کشد!

قلم را در دست می گیریم تا قبل از این که دبیر نشریه قلم پایم را به علت دیر رساندن مطلب قلم کند، این صفحات قلم خورده را تقدیمش نمایم! نمی خواهم لفظ قلم حرف بزدم یا با قلم فرسایی وقت شما را بگیرم، یا حتی متمم را به هفت قلم آرایش بزرگ کنم تا شاید خواندنی قلمداد شود. هیچ کدام از اینها قصدم نیست، فقط می خواهم خیلی غیرمستقیم بدون این که بیشتر از حد معمول از واژه «قلم» استفاده کنم؛ در قلمرو مناسبت ها را گشت بزدم و چشم شما را متوجه روز چهاردهم گرم ترین ماه سال کنم. روزی که مشهور است به روز «قلم»، و آیا این علت کافی نیست تا به قدر یک کلاف نا قابل، این نشریه از چنین روزی پذیرایی کند؟

قلم چه چیزی است و اولین بار چه شد؟

قلم که در گذشته های خیلی دور صدایش می زدند «خامه»، ابزاری برای نوشتن است که برای افزودن جوهر به یک سطح که معمولاً کاغذ است استفاده می شود. انواع گوناگونی از قلم وجود دارد که شامل خودکار، روان نویس، خودنویس و ماژیک و انواع مداد می شود. حکایت است که روزی در آستانه مهرماه آقای انسان اولیه با فرزندش به فروشگاه لوازم التحریر می روند. آن جا چیزی بوده است در مایه های پرندۀ فروشی های امروزی که در آن از سیم مرغ گرفته تا خود مرغ گرفته تا جغد و کبک و شاهین و عقاب، در قفس های جداگانه نگهداری می شده اند تا فرزند آقای انسان اولیه پر، دم یا بال مناسبی انتخاب کند برای نوشتن مشق هایش. پر عقاب آن موقع حکم قلم نوری را داشته و به قیمت خون انسان معاوضه می شده! اوایل، نویسندگی همچین شغل ظریفی به حساب نمی آمده و آقای آدمیزاد، سنگ چخماق نوک تیز را برای ترسیم تصاویر روی دیوارهای غارها به کار می برده. گاهی نیز نویسندگان عصر حجر انگشت خود را در شیرۀ گیاهان یا خون حیوانات فرو می بردند و آن را به جای قلم استفاده می کردند و اینگونه خودکار قرمز خیلی توی بورس بوده است. چینی ها هم طبق معمول خیلی با ماجرا رمانتیک برخورد می کردند و حروف خود را با قلمی از پشم نرم شترنقاشی می کردند. خلاصه این که تاریخ قلم خیلی به جاهای جذابی منتهی نمی شود! به قول بابام: «دنبالش نرو. اسیر میشی!»



قلم چه چیزی نیست و آخرین بار چه شد؟

بنا به تحقیقات و بررسی های مداوم بنده ی نگارنده آن چیزهایی که قلم نباشند، قلم نیستند. این اواخر نیز با اختراع کامپیوترها و دستگاه های تایپ و انواع و اقسام گوشی ها و دستگاه های هوشمند و غیر هوشمند، دیگر خیلی وقت است دانش آموزان دبستانی به جای گفتن جمله «اکنون قلمم را در دست می گیرم و انشایم را آغاز می کنم» می گویند: «نت بوک گوشی ام را باز می کنم و انشایم را تایپ خواهم کرد!» خیلی از روزنامه نگارها هم اوضاعشان همین است. هر چقدر هم که آدم سنت گرایی هم باشید و پای قلمتان بمانید، آخرش مجبور می شوید متن تان را تایپ کنید. البته همه اینها قدر باد هوا نمی ارزند وقتی قرب و منزلت جناب قلم به حدی است که خود خدا به نامش قسم خورده. خلاصه که این آقای قلم موجود عجیبی است! با ما باشید تا با کاربردهای دیگر این مفهوم پرپیچ و خم آشنا شوید. پس چرا اینجا ایستادی؟ «با ما همراه باشید» یعنی برو خط بعد!



خوشمزه ترین کتاب سال، به قلم جناب گاو!

یکی از هنرنمایی های آقای قلم در آبگوشت و قرمه سبزی است. مردم غرب آسیا البته بیشتر از این هنرنمایی قلم با خبرند. اهل دل می دانند من چه می گویم. چند قطره شیرۀ قلم اگر با نخود و لوبیا و باقی مخلفات در دیگ بجوشد، معجون فیل افکنی ساخته می شود که ما مردمان مشرق زمین اگر سلیقه داشتیم این معجون را در شیشه می کردیم و به عنوان «اکسیر جوانی» یا «عصاره حیات» صادر می نمودیم. حیف که در بسته بندی ضعیفیم!

کلاژن سازی و ضد پیری، تقویت استخوان و مفصل ها و سرشاری از پتاسیم، فسفر، آهن، کلسیم، منیزیم و ویتامین B، تنها بخشی از خواص جناب قلم است. خلاصه که جونم برات بگه خواهر! اول قلمارو می شوریم تا ماده اضافه به قلم نجسبیده باشه. بعد پیازها را به شکل نگینی برش می دیم و آماده می گذاریم به گوشه. حدود ۱۲ ساعت اجازه بده تا روی حرارت بجوشه. بعدشم بذار خنک بشه. حالا وقتشه ضامنو بکشی تا این بمب انرژی منفجر بشه. انصافاً بعضی قلم ها معجزه می کنند. نمونه اش همین قلم سعدی! بمبی از ویتامین و پروتئین ادبی داخلش خوابیده. خودتان را ازش محروم نکنید.

